

طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق

توسعه پایدار کشاورزی

(مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بویراحمد)

مجید خضری^۱ - مهدی نوری پور^{۲*} - پیمان فلسفی^۳

۱- کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

۲- دانشیار ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

۳- استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، مرکز آموزش عالی جهاد کشاورزی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶ صص ۱۴۶-۱۲۷ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۷/۱۹

چکیده

هدف: تحقیق حاضر با هدف طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی در بخش مرکزی شهرستان بویراحمد اجرا شده است.

روش: در این مطالعه از روش تحقیق کیفی و نظریه بنیادی (رویکرد گلیسر) استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه شامل افراد دست‌اندرکار در هر کدام از بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد بودند که به ترتیب ۱۴، ۱۲، ۱۳ و ۱۲ نفر را شامل شده است. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شده است.

یافته‌ها: براساس نتایج حاصل از نظریه بنیادی، الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی ترسیم شده است. این الگو دربردارنده مؤلفه‌های تأثیرگذار (از قبیل راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی، خدمات کیفی بخش خصوصی، مشارکت محوری بهره‌برداران، محوریت سیستمی تشکل‌ها، تمرکززدایی و استفاده از قدرت‌های محلی)، بازدارنده‌ها (از قبیل تمرکزگرایی و حاکمیت روابط در بخش دولتی، موانع و محدودیت‌های اجرایی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، فقر اقتصادی و فرهنگی بهره‌برداران و چالش‌های نهادی و قانونی تشکل‌های بخش کشاورزی) و نیز جایگاه و نقش بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها در برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ بوده است. همچنین، در این الگو شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی پیش‌بینی شده است.

محدودیت‌ها: از محدودیت‌های تحقیق حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: الف) زمان‌بر بودن تحقیق؛ ب) عدم همکاری برخی از افراد مد نظر (مطلوع کلیدی) برای گردآوری داده‌ها؛ ج) مشکل بودن ارزیابی اهمیت نسبی اجزاء و عوامل نظریه پیشنهادی.

راهکارهای عملی: با توجه به این‌که تحقیق‌های کیفی، زمینه خوبی را برای رسیدن به یافته‌های واقعی‌تر با مشارکت مردم فراهم می‌کند و در این فرآیند، محقق نیز جزء با ارزشی به شمار می‌آید که با فکر و ایده خود، هر آنچه را که از زمینه‌های واقعی موجود بیرون می‌آید سامان می‌دهد، تشکل می‌بخشد و نظریه و الگو می‌سازد.

اصالت و ارزش: تحقیق حاضر به طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی پرداخته است تا بتواند هماهنگی لازم را بین بخش‌های مذکور برای برنامه‌ریزی‌های صحیح و اجرای آن‌ها به وجود بیاورد. با توجه به مسائل گفته شده، تحقیق حاضر در نوع خود نوآوری تلقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار کشاورزی، مشارکت، نظریه بنیادی، شهرستان بویراحمد

ارجاع: خضری، م.، نوری پور، م. و فلسفی، پ. (۱۳۹۴). طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بویراحمد). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴(۴)، ۱۴۶-۱۲۷.

<http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/44147>

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

با توجه به این‌که امروزه توسعه پایدار به عنوان رهیافت غالب توسعه مطرح است، پرداختن به این موضوع در مطالعات توسعه اهمیت دارد. توسعه پایدار در تحقیقات علمی و دستور کار سیاست‌مداران به هدف پیشرو تبدیل شده است (لوپزایدورا، مسیرا و استیر، ۲۰۰۲، ص. ۱۳۵). کمیسیون برانلند، توسعه پایدار را آن نوع توسعه‌ای می‌داند که در عین برآورده نمودن نیازهای نسل کنونی، حقوق نسل‌های آینده در دستیابی به منابع را محدود نکند (اسدی و نادری‌مهیدی، ۱۳۸۹، ص. ۸). اصطلاح پایداری، در قالب یک مفهوم برنامه‌ریزی، در توسعه کشاورزی کاربرد فراوان دارد. از این رو، توجه به توسعه پایدار کشاورزی از راهبردهایی است که در سال‌های اخیر، بیشتر کشورها بدان روی آورده‌اند، به طوری که دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزان هر کشور به شمار می‌رود (ارتیعی، چیزری و جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۵۹). در واقع، کشاورزی به عنوان بخش بزرگ اقتصادی و تأمین امنیت غذایی در کشور ما اهمیت ویژه‌ای دارد و رویکرد کشاورزی پایدار می‌تواند در حل مشکلات کشاورزی و ایجاد پایداری بلندمدت و حل معضلات فعلی نقش مهمی ایفا کند (زاهدی، ۱۳۸۹، ص. ۶۴).

مشارکت، مهم‌ترین ضرورت و سرمایه توسعه است (سرکارآرانی، ۱۳۸۲، ص. ۹). تأکید بر مشارکت، که نقطه وفاق اکثر دیدگاه‌های تعدیل یافته امروزی است، بیان می‌کند که برای توسعه، به مشارکت مردمی نیاز مبرم و شدیدی وجود دارد که اگر مورد غفلت قرار گیرد، حرکت جوامع حرکتی غیرمؤثر و ناکارآمد (حرکت درجا) خواهد بود و هزینه‌زایی بالایی را برای تحولات آتی در بر خواهد داشت (مطیعی‌لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). چنان‌چه بتوان مشارکت را به طور معناداری در فرآیند توسعه دخالت داد، موفقیت آن تضمین خواهد شد (میرترابی، حجازی و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). مشارکت مردم در روند توسعه، نزد صاحب‌نظران چنان جایگاهی یافته است که گاه توسعه را معادل با مشارکت دانسته‌اند و یا مشارکت را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده‌اند (طالب و نجفی‌اصل، ۱۳۸۹، ص. ۳۲).

توسعه پایدار مؤلفه‌های مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی را در بر می‌گیرد. که مهم‌ترین رکن رسیدن به توسعه پایدار، توسعه بر اساس روش مشارکتی است (استلاجی و فلاح‌تبار، ۱۳۹۰، ص. ۷۰). با این حال می‌توان گفت امروزه مشارکت به عنوان رهیافتی کارآمد، نقش مهمی در دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی

دارد. در واقع، رویکرد مشارکت می‌تواند با فراهم آوردن بستر همکاری و ایجاد جریان اطلاعاتی در بین بخش‌های دولتی^۲، خصوصی^۳، بهره‌برداران^۴ و تشکل‌ها^۵ زمینه مناسبی را در جهت استمرار و پایداری بخش کشاورزی به وجود آورد.

در ادبیات مشارکت و مطالعات انجام‌شده در این زمینه، چارچوب‌ها، مفاهیم، الگوها و نظریه‌های متعددی بیان شده که اغلب همان مفهوم اصلی و کلاسیک مشارکت؛ یعنی همکاری و همیاری بین مردم محلی و عاملان توسعه (به صورت عام) را مدنظر داشته‌اند و به نکته اخیر؛ یعنی مشارکت بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی کمتر توجه شده؛ به نحوی که شاید حتی بتوان گفت مطالعه‌ای در این زمینه انجام نشده است. از این رو، در همین راستا، پژوهش حاضر به طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی می‌پردازد.

در کشور ایران، در زمینه تحقق توسعه پایدار کشاورزی اقداماتی صورت گرفته است؛ ولی این اقدامات بسیار اندک و با آن‌چه که باید باشد، فاصله زیادی دارد. هر چند پس از انقلاب اسلامی، وزارت جهاد کشاورزی (چه پیش از ادغام و چه پس از آن) خدمات فراوانی را در قالب‌های مختلف انجام داده است؛ ولی ساختار و چیدمان منابع انسانی، فیزیکی و مالی آن وارداتی بوده؛ به عبارتی، بومی و سازگار با شرایط و زمینه‌های کشور نبوده است (ورمزیاری، ۱۳۹۰).

با توجه به مطالب فوق و توجه به این نکته که یکی از ضرورت‌های قطعی توسعه پایدار در هزاره سوم میلادی، مشارکت متوازن و هماهنگ بین سه رکن دولت (حاکمیت)، بخش خصوصی و جامعه مدنی در اداره جوامع و کشورهاست، باید جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی به دنبال راهکاری برای مشارکت و همکاری بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها بود. به این منظور، برای بهبود وضعیت موجود و افزایش بهره‌وری جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی، در وهله اول نیاز به بازتعریف یا مهندسی مجدد رابطه و پیوند بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها است تا مشارکت و همکاری را بین کلیه افراد و گروه‌های مدنظر، از سطح محلی تا ملی وجود داشته باشد؛ چرا که توسعه پایدار به‌خصوص، در بخش کشاورزی زمانی اتفاق می‌افتد که مشارکت و همکاری وجود داشته باشد؛ به عبارتی، در صورت وجود مشارکت و همکاری بهتر، می‌توان بسترهای توسعه پایدار را فراهم کرد.

۱.۲. پیشینه نظری تحقیق

در ادبیات مشارکت و مطالعات انجام‌گرفته‌شده در این زمینه، چارچوب‌ها، مفاهیم، الگوها و نظریه‌های متعددی بیان شده که اغلب

همان مفهوم اصلی و کلاسیک مشارکت؛ یعنی همکاری و همیاری بین مردم محلی و عاملان توسعه (به صورت عام) را مدنظر داشته‌اند و نکتهٔ اخیر؛ یعنی مشارکت بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ به نحوی که شاید حتی بتوان گفت مطالعه‌ای در این زمینه انجام نشده است. از این رو، در همین راستا پژوهش حاضر به طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعهٔ پایدار کشاورزی می‌پردازد. بنابراین، مهم‌ترین پرسشی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها پیوند و ارتباط مؤثرتری برقرار کرد و ارتباطات اجزای نظام کشاورزی را مؤثرتر، یک‌پارچه‌تر و کارآمدتر کرد؟ انتظار می‌رود که نتایج حاصل از این پژوهش بتواند رهنمودی جهت تحقق توسعهٔ پایدار کشاورزی باشد که خود می‌تواند اهمیت زیادی در جهت تحقق توسعهٔ ملی داشته باشد.

تحقیق حاضر با هدف کلی «طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعهٔ پایدار کشاورزی در بخش مرکزی شهرستان بویراحمد»، اجرا شده است. جهت دستیابی به هدف کلی، اهداف اختصاصی زیر، مدنظر قرار گرفته‌اند:

- شناسایی عوامل تأثیرگذار و موانع احتمالی در برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی؛

- شناخت نحوهٔ برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی؛
- شناخت نقش یا رسالت اصلی بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی در برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ؛

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا کنون مطالعاتی که به طور صریح مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی را مدنظر داشته باشند، صورت نگرفته است؛ اما در رابطه با موضوع مشارکت، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها که از جهاتی با موضوع پژوهش حاضر مرتبط هستند، پرداخته می‌شود. فلسفی (۱۳۹۰) در پژوهشی در دهستان سگزآباد استان قزوین به این نتیجه رسید که اندازهٔ خانوار با متغیر نهادینه-شدن مشارکت، همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد و مشارکت کشاورزان در اجرا، ارزش‌یابی و مسائل مالی و بهره‌مندی آن‌ها از منافع پروژه هم با نهادینه‌شدن مشارکت در میان کشاورزان رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار دارد.

بوذرجمهری، خسروبیگی و تقیلو (۱۳۹۱) در پژوهش خود در روستاهای دهستان ایجرود بالا، شهرستان ایجرود، استان زنجان به این نتیجه رسیدند که، بین آگاهی و دانش، تعهد و مسؤلیت‌پذیری و تصمیم‌گیری عقلایی ارتباط مستقیمی برقرار است، به گونه‌ای که این سازوکار ارتباط مستقیم مشارکت و کشاورزی پایدار را توجیه می‌کند. بر همین اساس، به منظور بهبود وضعیت کشاورزی پایدار در روستاها، توجه به مقوله مشارکت به عنوان فراگرد تولید دانش اجتناب‌ناپذیر است. خداپرست‌مشهدی، بخت‌آزما و ایزانلو (۱۳۹۱) در پژوهش خود در بخش کشاورزی استان خراسان شمالی نشان دادند که ضعف درک متقابل و همراه با همکاری بین بنگاه‌های کشاورزی و دولت باعث شده است که در کلیهٔ راهبردهای کلیدی رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری و برنامه‌های عملیاتی آن‌ها، بخش خصوصی بیش‌تر از حد تعادلی از دولت انتظار کمک داشته باشد. این انتظارات اضافی در راهبردهای سرمایه‌گذاری به مراتب بیش‌تر از انتظاراتی است از انتظاراتی است که در راهبردهای تولیدی وجود دارد قیمری^۶ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی اهداف دولت در ارتقای مشارکت کشاورزان در نپال پرداخته است. وی به این نتیجه رسید که سیاست دولت بر همکاری نزدیک میان تحقیق، توسعه و کشاورزان تأکید می‌کند؛ اما در عمل در طراحی برنامه‌ها، نیازها و اولویت‌های کشاورزان به آن توجه نشده است. عارف^۷ (۲۰۱۱) در پژوهش خود در استان فارس به این نتیجه رسید که کشاورزان معتقدند که بیش از این که در ارزش‌یابی و برنامه‌ریزی فرآیندها و نتایج برنامه‌های کشاورزی مشارکت کنند، نیاز است که در اجرای آن (برنامه‌های کشاورزی) مشارکت داشته باشند. نکسومالو و اولادل^۸ (۲۰۱۳) در پژوهشی در زمینهٔ شناسایی عواملی که مشارکت کشاورزان در برنامهٔ کشاورزی را متأثر می‌کند، در بخش زیولولند^۹، استان کوازولا نتال^{۱۰}، آفریقا جنوبی نشان دادند که عدم قابلیت دسترسی به زمین، فقدان سرمایهٔ مالی و منابع محدود، موانع اصلی در برابر مشارکت بودند. نامبردگان اشاره می‌کنند که عوامل مهم تعیین‌کنندهٔ مشارکت عبارت‌اند از: نگرش نسبت به مشارکت، اثربخشی مراقبت از زمین، سن، جنسیت، سرمایه‌گذاری احشام، سرمایه‌گذاری محصول و درآمد. مطالعات برخی از پژوهشگران؛ مانند فلچر^{۱۱}، الدر و مکوس (۲۰۰۰)؛ زلدین^{۱۲} (۲۰۰۲ و ۲۰۰۴) و برنان^{۱۳} (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که داشتن عوامل انگیزشی؛ مانند عزت نفس، احساس کارایی و سودمندی، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و مهارت‌های رهبری با مشارکت رابطهٔ مثبت دارد.

با استناد به پیشینهٔ نگاشته‌ها پیرامون مشارکت و همچنین، مواردی که در تحقق مشارکت نقش دارند و نتایج پژوهش‌های

روش، معمولاً در زمینه‌هایی به کار می‌رود که قبلاً تحقیق زیادی در مورد آن صورت نگرفته است (ادیب حاج‌باقری^{۱۷}، صلصالی و احمدی، ۲۰۰۴، ص. ۸۲). همچنین، هدف آن، توسعه یک نظریه جدید براساس داده‌های جمع‌آوری شده است (بیچ^{۱۸}، ۲۰۰۵، ص. ۷۸).

برای تحلیل داده‌های کیفی از روش‌های کدگذاری استفاده می‌شود. کدگذاری باز^{۱۹} در پی شکستن و بازکردن داده‌های خام است. در مقابل آن، کدگذاری نظری^{۲۰} با توجه به نمایان‌سازی یک سری از احتمالات و طبقات نظری، مجدداً داده‌ها را دوباره با هدف خلق مسیرهای پنداشتی در کنار هم‌دیگر قرار می‌دهد. گلیسر^{۲۱}، این متصل‌سازی یا ارتباطی رویدادها را از طریق شکل خاصی از کدگذاری به نام خانواده‌های کدگذاری مطرح می‌کند (رضائی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۰). در این تحقیق با بهره‌گیری از رویکرد گلیسر، از پیش‌زمینه‌ها و پیش‌برنده‌های خانواده کدگذاری و خانواده تعاملی که تعامل طبقات را در مقایسه‌های مداوم شامل می‌شود، استفاده شده است.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش را افراد صاحب‌اطلاع و آگاه نسبت به امور کشاورزی (مطلعان کلیدی) بخش مرکزی شهرستان بویراحمد؛ نظیر متخصصان دانشگاهی، مراکز تحقیقات و سازمان‌ها و نهادهای مربوط و همچنین، مردم محلی (بهره‌برداران) تشکیل می‌دهند.

در تحقیق کیفی معمولاً نمونه‌گیری تا حدی ادامه پیدا می‌کند که اشباع نظری حاصل شود (یعنی با افزایش تعداد نمونه‌ها اطلاعات جدیدی حاصل نمی‌شود که این نشان از کفایت حجم نمونه در همان افراد مشارکت‌کننده دارد). در این مطالعه، پس از انجام فرآیند مصاحبه با ۵۱ نفر از افراد مدنظر که ۱۴ نفر از بخش دولتی، ۱۲ نفر از بخش خصوصی، ۱۳ نفر از بهره‌برداران و ۱۲ نفر از تشکل‌های بخش کشاورزی به دست آمد.

در تحقیق حاضر با توجه به ضرورت بهره‌مندی از نظرات مطلعان کلیدی از روش نمونه‌گیری هدفمند و از نوع گلوله برفی^{۲۲} استفاده شد. نمونه‌گیری گلوله برفی (زنجیره‌ای یا شبکه‌ای) عمومی‌ترین شکل نمونه‌گیری هدفمند است. در این راهبرد محقق از هر مشاهده‌شونده، مصاحبه‌شونده یا گروه مشارکت‌جو می‌خواهد که افراد مطلع و مشارکت‌کنندگان دیگری را معرفی کنند (فلسفی و حسینی، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۸).

روش اصلی گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، مصاحبه عمیق با افراد صاحب‌اطلاع و آگاه نسبت به امور کشاورزی بوده است. در هنگام مصاحبه، از یادداشت‌برداری به همراه ضبط صدا برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. یادداشت همراه با ضبط صدا در

گذشته، مشخص شد که تحقیقات انجام‌شده در راستای مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های کشاورزی، عمدتاً در سطح خرد و محلی بوده و به صورت کمی عوامل مؤثر یا بازدارنده‌های مشارکت را مدنظر داشته‌اند یا این‌که همان‌طور که در صفحات قبل اشاره شد، مشارکت را به صورت یک مفهوم کلی مدنظر داشته‌اند و به مفهوم مشارکت که در تحقیق حاضر مدنظر است، کم‌تر توجه کرده‌اند. با توجه به فقر منابع موجود در این زمینه، در نظر است که با یک مطالعه کیفی و اکتشافی سازوکارهای مناسب مشارکت در این مقوله تبیین شوند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

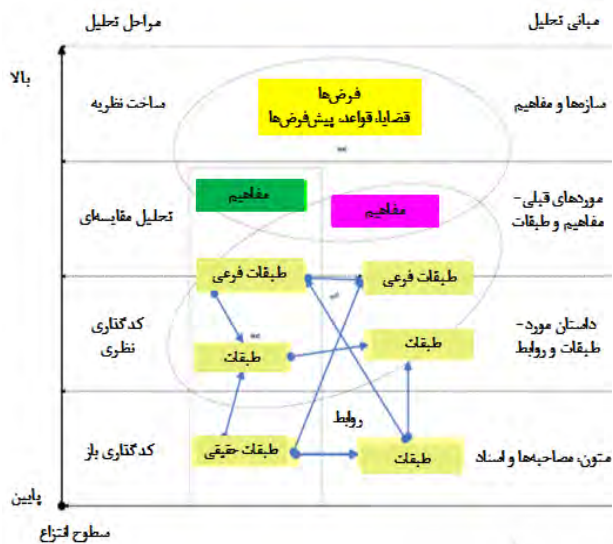
۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

این تحقیق در محدوده بخش مرکزی شهرستان بویراحمد از استان کهگیلویه و بویراحمد، واقع در جنوب غرب کشور انجام شده است.

۲.۲. روش تحقیق

در تحقیق حاضر از پارادایم تحقیق کیفی استفاده شده است. از دلایل لزوم انجام تحقیق کیفی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که روش‌های کیفی می‌توانند جزئیات ظریفی از پدیده‌هایی که آرایه آن‌ها به روش‌های کمی مشکل است، به دست دهند (استراس و کوربین^{۱۴}، ۱۳۹۰، ص. ۱۹). یکی از روش‌های تحقیق کیفی که به‌ویژه برای کشف مفاهیم و روابط و ساختن نظریه می‌تواند مفید باشد، روش «نظریه بنیادی»^{۱۵} است. البته، در آغاز یک تحقیق، محقق باید از خود سؤال کند که آیا من توجه کافی به دیدگاه افراد درباره این پدیده خاص کرده‌ام؟ آیا تحقیقات تجربی منتشرشده، مفاهیم مربوط به این پدیده را ساده‌انگارانه نگاه نکرده‌اند؟ آیا به فهم عمیق‌تر خصوصیات مربوط به این پدیده خاص نیاز هست؟ آیا این پدیده قبلاً بررسی نشده است؟ جواب مثبت به این سؤالات یا سؤالات مشابه می‌تواند مناسب بودن نظریه بنیادی را به عنوان روش تحقیق نشان دهد (ادیب حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۷). به نظر می‌رسد جواب سؤالات مذکور برای پژوهش حاضر مثبت باشد. همچنین، تا کنون مطالعاتی که به طور صریح در راستای مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها باشد، صورت نگرفته است. بنابراین، نبودن مطالعه در زمینه مشارکت با نگرش جدید، خود مستلزم یک بررسی عمیق با بهره‌گیری از رویکرد کیفی است، که استفاده از «نظریه بنیادی» را ضروری می‌کند. در واقع، نظریه بنیادی یک روش نوآورانه، به منزله تسهیل کشف نظریه از داده‌هاست (دان^{۱۶}، ۲۰۱۱، ص. ۱۱۳). این

می‌شود. شکل مراحل تحلیل و راهی را که عناصر نظریه نوظهور پیاپی به لایه‌های بالاتر انتزاع می‌رسد را نشان می‌دهد.



شکل ۲- ساخت نظریه: مراحل تحلیل و سطوح انتزاع در تحقیق حاضر
مأخذ: لهن، ۲۰۱۰

۳. مبانی نظری تحقیق

۳.۱. مفهوم مشارکت

مشارکت، از واژه‌هایی است که همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، پیچیدگی و ابهام خاصی دارد. بنابراین، تعریفی از مشارکت که عموم صاحب‌نظران در آن توافق نظر داشته باشند، کار ساده‌ای نیست. اندیشمندان و متخصصان مختلف، این اصطلاح را به گونه‌های متفاوتی به کار می‌برند و هر کدام سعی می‌کنند آن را به شیوه‌ای خاص تعریف و تحدید کنند (جمشیدی، تیموری، حاضری و روستا، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲). یکی از کسانی که در این مورد اظهار نظرهای صائب و ارزشمندی دارد، میسر^{۲۶} (نظریه‌پرداز هندی) است. او از روش‌های جدید توسعه صحبت می‌کند و درباره نقش مردم در توسعه می‌گوید: غیرقابل تصور و ساده‌لوحانه است که فکر کنیم مردم هنوز آمادگی لازم جهت بردوش گرفتن مسؤولیت‌ها را ندارند. مشارکت مردمی باید به مثابه فرآیندی قلمداد شود که زنجیره‌های متعددی در سطوح ملی، منطقه‌ای و روستایی را دربرگیرند. غیر از میسر، نظریه سالیما عمر^{۲۷} در زمینه مشارکت جالب توجه است؛ به طوری که او توسعه را صرفاً مشارکت مردم و توسعه از پایین به بالا می‌داند (توسلی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۴).

یکی از زمینه‌های اساسی در حوزه پایداری، «پایداری کشاورزی» است. از کشاورزی پایدار به عنوان زیرمجموعه‌ای از توسعه پایدار تعاریفی ارائه شده است، از جمله این‌که کشاورزی

مصاحبه، به عنوان یک روش جدید، جهت بهبود یادداشت‌ها در نظریه بنیادی است. ترکیب یادداشت با ضبط صدا، مزایای تحلیلی قابل توجهی را بیش از روش سنتی که صرف نوشتن یادداشت است، فراهم می‌آورد (استوکر و کلوز^{۲۳}، ۲۰۱۳، ص. ۲). مصاحبه در این تحقیق به صورت نیمه‌ساختارمند، فشرده، بدون وقفه و در میدان انجام گرفت تا فرصت مشاهده مشارکتی نیز باشد.

برای تحقق روایی یا اعتبار و پایایی، در پژوهش حاضر از تکنیک سه‌بعدی‌نگری استفاده شد و در این راستا از روش‌های اقامت در مکان تحقیق در یک دوره زمانی، پرسش از افراد مختلف، پرسش از افراد مختلف در مکان‌های مختلف، درمیان گذاشتن نتایج تفسیرها با افراد مصاحبه شده، توصیف جزئیات و بیان جامع شرایط زمانی و مکانی گردآوری اطلاعات، بیان کامل نوع نگرش و احیاناً سوگیری محقق در بحث‌ها مورد نظر بوده است.

۳.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

پردازش داده‌ها که به فرآیند آماده‌سازی داده‌ها برای ورود به تحلیل اصلی گفته می‌شود (رضائی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۱). پردازش داده‌ها در مطالعه حاضر، به صورت زیر صورت گرفت: ۱- ابتدا با توجه به متن مصاحبه‌ها، همه یافته‌ها به طور کلی مرور و نکات مهم آن به عنوان موضوعات اصلی و فرعی فهرست شد؛ ۲- موضوعات اصلی و فرعی گروه‌بندی شدند؛ ۳- داده‌ها مجدد مطالعه شد و براساس آن کدگذاری صورت گرفت؛ ۴- سپس ارتباط بین هر کدام از گروه‌ها و کدها مشخص شد؛ ۵- در پایان با مطالعه مجدد یافته‌ها، نتایج به کدهای مختلف منتسب شد و از این طریق داده‌ها برای تحلیل آماده شدند.

تحلیل داده‌ها به تلخیص و نتایج حاصل از داده‌ها اطلاق می‌شود. فرآیند تحلیل داده‌های کیفی، یک بحث التقاطی است و برای آن روند خاصی وجود ندارد و محقق براساس ماهیت، نیاز و اهداف تحقیق روش خاصی را برمی‌گزیند. نکته شایان ذکر در این فرآیند، آزادی محقق در انتخاب کدها و گروه‌بندی داده‌هاست (کراسول^{۲۴}، ۱۹۹۴). در این پژوهش از روش مقایسه مداوم تحلیل و کدگذاری گلیسر (۱۹۹۴) استفاده شده است که موارد زیر را شامل می‌شود: ۱- مقایسه رویدادهای قابل کاربرد برای هر طبقه؛ ۲- یک‌پارچه‌سازی طبقات و ویژگی‌های آن‌ها؛ ۳- توسعه مفاهیم؛ ۴- نمونه‌گیری نظری؛ در ادامه ساخت نظریه، مراحل زیر طی می‌شود: ۵- اشباع نظری؛ ۶- نوشتن نظریه و استخراج الگوی نهایی.

مراحل تحلیل با اقتباس از لهن^{۲۵} (۲۰۱۰) در چهار طبقه ارائه و در شکل (۲) نشان داده شده است. هریک از آن‌ها، به نوبت، به مکان ویژه از برون‌داده‌ها در شکل یک عنصر نظری، ربط داده

بهره‌برداران بخش کشاورزی: بهره‌بردار کشاورزی، شخصی حقیقی یا حقوقی است که به‌تنهایی یا با مشارکت دیگران، مدیریت امور بهره‌برداری کشاورزی و مسؤولیت آن را به عهده دارد و به طور مستقیم، در سود و زیان آن سهیم است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در واقع، منظور از بهره‌برداران بخش کشاورزی همان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی هستند که ممکن است به صورت واحدهای تجاری، تعاونی، دهقانی و یا حتی به صورت اجاره‌کار، نیمه‌کار و غیره ظاهر شوند.

تشکل‌های بخش کشاورزی: بیشتر تعاریف جدید، به‌ویژه در حوزه کشورهای در حال توسعه، تشکل‌ها را آن دسته سازمان‌هایی می‌دانند که درگیر فعالیت‌های توسعه‌یافته‌ی پایدار هستند (مهدی‌دوست، کرمی‌مقدم و متین، ۱۳۸۹، ص. ۳۰). در تعریف دیگر، تشکل‌ها را سازمان‌هایی با شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی، غیرانتفاعی می‌دانند که برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه با گرایش‌های فرهنگی، اجتماعی، صنفی و براساس قانونمندی و اساسنامه‌ی مدون و در چارچوب قوانین موضوع هر کشور فعالیت می‌کنند (مهابادی، ۱۳۸۰).

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. توصیف ویژگی‌های پاسخ‌گویان

براساس آماره‌های توصیفی مربوط به برخی از ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخ‌گویان؛ شامل: سن، میزان تحصیلات و سابقه فعالیت (کار) مشخص شد که میانگین سنی آن‌ها برابر با ۴۰/۳۳ سال، اکثراً دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و به طور متوسط دارای ۱۶ سال سابقه فعالیت در بخش کشاورزی بودند که نشان از سطح تحصیلات بالا و تجربه کافی افراد مصاحبه‌شونده دارد.

۴.۲. کدگذاری داده‌های جمع‌آوری شده

متن مصاحبه‌های انجام‌شده براساس حدود ۹۲ ساعت مصاحبه با ۵۱ نفر از مطلعان کلیدی بخش کشاورزی ناحیه مورد مطالعه که با توجه به ضرورت بهره‌مندی از نظرات مطلعان کلیدی از روش نمونه‌گیری هدفمند و از نوع گلوله برفی استفاده شده بود، با استفاده از روش کدگذاری باز در ۱۸۲ طبقه (مفهوم) اولیه کدگذاری شدند. شایان ذکر است که برای تبیین بهتر نظریه، در کنار متن این مصاحبه‌ها در ناحیه مورد مطالعه، از مشاهده میدانی، اسناد و مدارک دست دوم نیز استفاده شده است.

در ادامه روند کدگذاری، ۱۸۲ طبقه (مفهوم) اولیه حاصل از کدگذاری باز در ۵۴ گروه هم‌خانواده قرار گرفتند که کدگذاری نظری آن‌ها به ۲۱ طبقه محوری کاهش داد. طبقات محوری، بسته به ماهیت‌شان

پایدار نوعی از کشاورزی است که کیفیت زندگی نسل‌های فعلی و آتی را از طریق حفظ و بهبود فرآیندهای اکولوژیکی که زندگی به آن وابسته است، بهبود می‌بخشد (نجفی و زاهدی، ۱۳۸۴، ص. ۷۶).

الزام مشارکت در توسعه پایدار کشاورزی از این دید قابل بررسی است که دو الگو یا پارادایم فکری در رابطه با مشارکت مردم در توسعه هست که نگاه اول یک نگاه ابزاری به مشارکت مردم دارد. در این نوع مشارکت که تا حدودی به صورت انفعالی است، رسیدن به هدف با مشارکت مردم تسهیل می‌شود. نگاه دوم یک الگوی هدف‌گرا است. در این الگو شکل غالب مشارکت مردم، خود-بسیجی و خود-خواسته است و نهادهای حامی کشاورزی باید دخالت بیش از پیش مردم و گروه‌های محلی را در امور به عمل آورند تا به توانمندشدن آن‌ها منجر شود؛ زیرا کشاورزی پایدار بدون حضور و مشارکت واقعی مردم، تهدید می‌شود؛ به عبارت دیگر، مشارکت باید در حدی باشد که چنانچه عواملی که به مشارکت منجر شده‌اند از بین بروند، روند مشارکت ادامه یابد (اسدی و نادری‌مهدی، ۱۳۸۹، ص. ۹۵). به طور کلی، در ادبیات توسعه، به-ویژه توسعه پایدار، واژه مشارکت جایگاه خاصی دارد؛ به گونه‌ای که در توسعه پایدار، مشارکت، هدف و وسیله توسعه به شمار می‌رود (شعبانعلی‌فمی، علی‌بیگی و شریف‌زاده، ۱۳۸۳، ص. ۳۲).

پس از تبیین مبانی نظری مشارکت و توسعه پایدار کشاورزی، همان‌گونه که در قسمت‌های قبل نیز اشاره شد، در مطالعه حاضر، مشارکت به معنی پیوند و ارتباط بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها برای هماهنگی و نیل به اهداف توسعه پایدار کشاورزی مدنظر است. در ادامه، بخش‌های مورد نظر در مطالعه حاضر معرفی شده است.

۴.۳. بخش‌های فعال در مشارکت

بخش دولتی کشاورزی: بخش دولتی، شامل نهادها، ادارات وابسته به دولت یا وزارت جهاد کشاورزی است که در این بخش فعال بوده، کنترل، سازمان‌دهی، امور مالی و نگهداری آن‌ها با دولت است. در واقع، دولت، سیاست‌گذاری، سازمان‌دهی، تنظیم روابط، اجرای سیاست‌ها و ضوابط درونی را تحت کلمه حق حاکمیت در داخل مرزها به عهده دارد (مهدی‌دوست، کرمی‌مقدم و متین، ۱۳۸۹، ص. ۳۰).

بخش خصوصی کشاورزی: بخش خصوصی، به تمامی نهادها، ساختارهای حقیقی و حقوقی (که ممکن است براساس قانون تعاون، تجارت و غیره تشکیل شده باشند) اطلاق می‌شود که برای توسعه عمومی کشور و ارتقای سطح رفاه اجتماعی ملت، با هدف کسب درآمد تلاش می‌کنند (مهدی‌دوست، کرمی‌مقدم و متین، ۱۳۸۹، ص. ۳۰).

درون یکی از چهار حوزه؛ بخش دولتی، بخش خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها (حلقه‌های واسط مشارکت) قرار گرفتند که به ترتیب، در جدول‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) آمده‌اند. طبقات محوری در هر چهار حوزه از تعدادی زیرطبقه تشکیل شده‌اند. در حوزه‌ها، زیرطبقه‌ها نقطه اصلی بین طبقات و تعامل‌های بین آن‌ها هستند. شایان ذکر است که

جدول ۱- مفهوم‌سازی داده‌ها در زمینه بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های مشارکت - حوزه بخش دولتی (کدگذاری نظری)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

طبقه محوری	گروه هم‌خانواده	مفاهیم	
تمرکزگرایی و حاکمیت روابط	انحصارگرایی	مداخله دولت در بخش غیردولتی	
		مقاومت دولت در واگذاری اختیارات تصدی‌گری	
		ترس مدیران دولتی از موقعیت شغلی در واگذاری تصدی‌گری‌ها	
	رابطه‌گرایی	اتکای ضعیف دولت به مردم	
		سیستم متمرکز دولت (کاملاً دولتی بودن برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها)	
		ارجحیت روابط بر ضوابط	
رویکرد توسعه‌ای دولت	سیاست‌های حاکمیتی	تداخل و تأثیرگذاری منافع شخصی و حزبی در روند تصمیم‌گیری‌ها (سیاست‌زدگی)	
		نگاه تبعیض‌آمیز مدیران دولتی به تشکل‌ها و بخش خصوصی	
	نقش و جایگاه کشاورزی	اتخاذ رویکردهای مختلف نسبت به توسعه توسط دولت‌مردان	
		سیاست‌های اتخاذشده و راهبردهای عملیاتی	
تمرکززدایی	واگذاری تصدی‌گری‌ها	توجه به بخش کشاورزی در برنامه‌ها و سیاست‌های کلان	
		میزان اتکا به درآمدهای نفتی و واردات محصولات کشاورزی	
		توجه به تولید و درآمدها (صادرات) محصولات کشاورزی	
		کمبود نیروی متخصص و کارآمد دولتی	
		محدودیت منابع مالی دولتی	
		دست و پاگیربودن قوانین اداری	
	برنامه‌ریزی مشارکتی و هدفمند	واگذاری تصدی‌گری‌ها	گسترده‌ی فعالیت‌های بخش کشاورزی و ناتوانی دولت در پوشش همه فعالیت‌های مذکور
			پایین بودن کیفیت پروژه‌های بخش دولتی
			ارتباط ضعیف بین کارکنان دولت و بهره‌برداران
			بی‌انگیزگی کارکنان دولتی
راه‌اندازی شبکه مشارکت محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی	نظارت مشارکت محور	اختصاص اعتبار به پروژه‌های فاقد توجیه (اثربخشی ضعیف اعتبارات دولتی)	
		برنامه‌ریزی هدفمند با مشارکت جامعه هدف	
		جلوگیری از اقدام آنی و شتاب‌زده در برنامه‌ریزی‌ها	
	ایجاد بانک اطلاعاتی	نظارت مشارکت محور	توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی در برنامه‌ریزی‌ها
			ضرورت برنامه‌ریزی از پایین به بالا
			ایجاد تشکیلات نظارتی فرابخشی
راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی	تدوین و اجرای قوانین و مقررات توسعه پایدار کشاورزی	نظارت بر فعالیت‌های بهره‌برداران، تشکل‌ها، بخش خصوصی با مشارکت و همکاری خود آنان	
		مدیریت و نظارت مشارکت محور	
		نظارت مستمر بر قوانین ابلاغی	
		ایجاد مرجع یا بانک اطلاعاتی فرابخشی	
		ایجاد بانک اطلاعاتی با مشارکت و همکاری ذی‌نفعان بخش کشاورزی	
	تعامل فراگیر	تدوین و اجرای قوانین و مقررات توسعه پایدار کشاورزی	تدوین قانون فراگیر برای استفاده صحیح و پایدار از منابع
			تدوین قانون و دستورالعمل‌های مناسب برای مشارکت فراگیر
			رعایت برنامه‌های توسعه پایدار کشاورزی به صورت همگانی
			اجرای برنامه‌های نوین راهبردی در زمینه‌های مختلف برای دستیابی به توسعه پایدار
			اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای متناظر با وضعیت کنونی منطقه
تعامل فراگیر	تدوین و اجرای قوانین و مقررات توسعه پایدار کشاورزی	تدوین خط‌مشی و برنامه جامع کلی بلندمدت برای نیل به توسعه پایدار	
		تعامل مناسب بین بهره‌برداران، سازمان‌ها و نهادهای دولتی، غیردولتی و خصوصی	
		تعامل دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات کشاورزی با تشکل‌ها	
		فراهم آوردن تعامل و مشارکت از سطح خرد محلی برای پایداری	
		هم‌سویی تعامل‌ها بین بخش‌های دست‌اندر کار بخش کشاورزی	
تعامل فراگیر	تدوین و اجرای قوانین و مقررات توسعه پایدار کشاورزی	مشخص شدن خط و مرزها در حوزه تعامل‌ها بین بخش‌های مختلف کشاورزی	

جدول ۲- مفهوم‌سازی داده‌ها در زمینه بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های مشارکت حوزه بخش خصوصی (کدگذاری نظری)
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

طبقه محوری	گروه هم‌خانواده	مفاهیم
ظرفیت‌های نهادی و قانونی بخش خصوصی	قانون	توجه اصل ۴۴ قانون اساسی به خصوصی‌سازی
		توجه ویژه به توانمندسازی بخش خصوصی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور
		تأکید برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به برنامه‌های بخش خصوصی
		توجه قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی به بخش خصوصی
	اجرایی	استفاده از امکانات و تجهیزات زیرساختی تصدی‌گرانه مازاد دولت
		امکان دسترسی آسان و همگانی به خدمات بخش خصوصی
		شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای- فنی مهندسی- اجرایی- مدیریتی- مالی و بیمه‌ای- اقتصادی- بازرگانی
		آزمایشگاه‌ها، داروخانه‌ها و غیره
	مالی	تسهیلات اعطایی کم بهره بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی
		استفاده از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی (سرمایه‌پذیری)
		بودجه نظارت‌شده سنواتی در قالب موافقت‌نامه‌ها
		تعرفه‌های دولتی برای ارائه خدمات توسط بخش خصوصی
	نیروی انسانی	توانایی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (رشته‌های کشاورزی و غیرکشاورزی) در کمک به بخش خصوصی
		توانایی سربازان سازندگی با تجربه دوساله بخش کشاورزی در کمک به بخش خصوصی
		توانایی بازنشستگان دولتی با تجربه چندساله در کمک به بخش خصوصی
		نیروی کار ارزان قیمت در روستا
موانع و محدودیت‌های اجرایی و سرمایه‌گذاری	موانع و محدودیت‌های اجرایی	نبود اعتماد متقابل بین بخش دولتی و بخش خصوصی
		نبود باور به توانمندی‌های بخش خصوصی
		نبود تجربه کافی بخش خصوصی در ارائه خدمات مشاوره‌ای
		فراهم نبودن امکانات زیربنایی
		آماده نبودن بهره‌بردار برای پرداخت بخشی از هزینه خدمات
	بالا بودن کسورات قانونی ارائه خدمات	
	موانع و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری	ضمانت‌نامه‌ها و وثیقه‌های بانکی
		سطح پایین امکانات رفاهی زندگی در روستا
وجود تنش‌های اجتماعی برای ورود بخش خصوصی به روستاها		
سرمایه اجتماعی	اعتمادسازی	ایجاد اعتماد و روابط عاطفی صمیمی بخش خصوصی با بهره‌برداران
		قبول مسؤلیت بخش خصوصی برای انجام فعالیت
	مسئولیت‌پذیری	رعایت قوانین ابلاغی برای انجام فعالیت‌های بخش خصوصی
		آشنایی به قوانین و مقررات در بین کارکنان بخش خصوصی
	قانون‌مداری	امنیت سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی
احساس امنیت	امنیت شغلی در بخش خصوصی	
خدمات مشارکت‌زا	کاربردی و سودمندی	کم‌تر بودن هزینه‌های عملیاتی بخش خصوصی نسبت به دستگاه‌های دولتی
		انعطاف‌پذیری بیشتر بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی
		نبود کاغذبازی در بخش خصوصی
	ارایه خدمات نوین و کیفی	ایجاد همکاری بین بخشی در بخش خصوصی با اعمال دیدگاه‌های خودشان
		گرایش بیشتر بخش خصوصی به پذیرش و به‌کارگیری فناوری‌های جدید
		رقابت‌پذیری بخش خصوصی برای ارائه خدمات برای جلب مخاطب

جدول ۳- مفهوم‌سازی داده‌ها در زمینه بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های مشارکت - حوزه بهره‌برداران (کدگذاری نظری)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

طبقه محوری	گروه هم‌خانواده	مفاهیم	
مالکیت زمین	تنوع مالکیت زمین	خرده مالکی بسیاری از واحدهای کشاورزی (متوسط سطح زیرکشت دو هکتار)	
		اجاره‌ای بودن زمین‌های کشاورزی	
	وضعیت نابسامان مالکیت زمین	تقسیم زمین‌های کشاورزی بین وراثت با توجه به نرخ رشد جمعیت نبود تفکیک و تمایز اراضی کشاورزان و منابع ملی	
		انجام‌نشدن مساحی و نقشه‌برداری زمین‌های کشاورزی	
فقر اقتصادی و فرهنگی	فقر اقتصادی	پایین بودن متوسط درآمد بهره‌برداران	
		وابستگی شدید مالی بهره‌برداران به دولت	
		نیمه‌سننی و غیرتجاری بودن واحدهای تولیدی	
		آنی‌نگری بهره‌برداران (توجه به منافع زودگذر)	
		اشتغال خارج از مزرعه برای تأمین مایحتاج زندگی	
		مهاجرت فصلی بهره‌برداران برای معاش زندگی	
	فقر فرهنگی	پایین بودن سطح تحصیلات و آگاهی بهره‌برداران نسبت به علم کشاورزی	
		نبود آگاهی بهره‌برداران از ماهیت بخش‌های غیردولتی	
		استفاده نامناسب بهره‌برداران از منابع	
		توقع زیاد بهره‌برداران از تشکله‌ها	
		بی‌توجهی بهره‌برداران به مسائل زیست محیطی	
		اعتقاد ضعیف بهره‌برداران به کشاورزی نوین	
		اعتماد به نفس پایین بهره‌برداران (احساس حقارت و خود کم‌بینی)	
		خودخواهی و خودمحوری در بهره‌برداران	
ظرفیت‌سازی و توانمندسازی بهره‌برداران	ایجاد منزلت اجتماعی	هویت‌دار کردن بهره‌برداران	
		خدمات تأمین اجتماعی	
	توسعه خدمات رفاهی و بهداشتی	گسترش و تقویت کارگزاری‌های صندوق‌های بیمه محصولات کشاورزی با پوشش وسیع	
		ایجاد مراکز خدمات درمانی در روستاها و توجه به سلامت	
	آموزش همه‌جانبه	ارتقای دانش بهره‌برداران از ماهیت بخش‌های غیردولتی	
		آشنایی بهره‌برداران با قوانین و مقررات	
	توسعه درک مشارکت و کشاورزی پایدار	ارتقای دانش، بینش و مهارت بهره‌برداران	
		توسعه درک بهره‌برداران از فعالیت‌های مشارکت‌جویانه	
		توسعه درک بهره‌برداران از مسائل زیست محیطی و توسعه پایدار	
		توسعه درک فواید بهره‌برداری بهینه از منابع	
استفاده از قدرتهای محلی	قدرت غیررسمی	رابطه خویشاوندی و پیوندهای قومی قبیله‌ای	
	قدرت رسمی	نفوذ ریش‌سفیدان و رهبران محلی	
اعتمادسازی	ایجاد نگرش مثبت	وجود رسانه‌های انبوهی در بین بهره‌برداران (در روستاها)	
		شورای اسلامی روستا و دهیاران	
مشارکت محوری بهره‌برداران	ایجاد نگرش مثبت	شورای اسلامی روستا و دهیاران	
		ایجاد نگرش مثبت در بهره‌برداران نسبت به بخش‌های غیردولتی	
	جلب اعتماد	ایجاد نگرش مثبت در بهره‌برداران به کارگروهی و مشارکت	
		جلب اعتماد بهره‌برداران نسبت به سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی	
	مشارکت محوری بهره‌برداران	سازمان‌دهی	سازمان‌یافته و نهادی کردن ارتباطات بهره‌برداران
			افزایش توان رقابتی بهره‌برداران
		مشارکت در تصمیم‌گیری	سازمان‌دهی بهره‌برداران در قالب تشکله‌ها (با توجه به نوع محصول تولیدی)
			مشارکت بهره‌برداران در تصمیم‌گیری‌ها برای اجرای طرح‌ها
		مشارکت در اجرای تصمیمات	استفاده از بهره‌برداران در برنامه‌ریزی‌ها
			مشارکت بهره‌برداران در اجرای تصمیمات
مشارکت در نظارت		نظارت بهره‌برداران بر عملکرد یک‌دیگر	
		نظارت و همکاری بهره‌برداران در مسائل زیست محیطی	
مشارکت در ایده‌سازی (مشاوره و مشورت)	همکاری بهره‌برداران در انتقال دانش بومی به دیگران		
	مشارکت بهره‌برداران در رایای ایده (طرح‌ها) سازگار با شرایط منطقه		
مشارکت مالی	جلب مشارکت بهره‌برداران در مسائل مالی (تسهیم هزینه)		

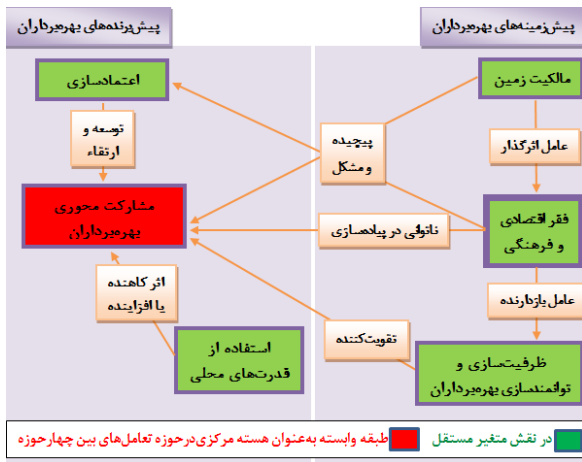
جدول ۴- مفهوم‌سازی داده‌ها در زمینه بازدارندها و تسهیل‌کننده‌های مشارکت حوزه تشکل‌ها (کدگذاری نظری)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

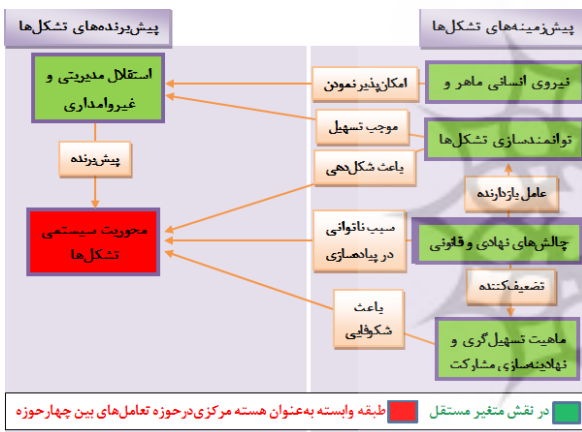
طبقه محوری	گروه هم‌خانواده	مفاهیم
چالش‌های نهادی و قانونی تشکل‌ها	چالش‌های نهادی	مشخص نبودن جایگاه تشکل‌ها
		پایین بودن سطح پوشش تشکل‌ها
		نقش محدود اعضا در تشکل‌ها
		استقرار نامناسب تشکل‌ها (تمرکز در نقاط خاص)
		بی‌اعتمادی متقابل بین تشکل‌ها و نهادهای دولتی
		بی‌اعتمادی مردم و حتی خود اعضا به تشکل‌ها
		نبود تشکل جامع و فراگیر
		تحت تأثیر قرار گرفتن تشکل‌ها از سیاست‌های دولت
		نبود تناسب کارکردهای تشکل‌ها با ماهیت آن‌ها
		نبود هماهنگی سیاستی و کارکردی بین تشکل‌ها
		هویت دوگانه تشکل‌ها
		تداخل وظایف و مأموریت تشکل‌های بخش کشاورزی (موازی کاری)
		وابستگی برخی از تشکل‌ها به بدنه دولت
	وابستگی مفرط برخی از تشکل‌ها (تعاونی‌های روستایی و اتحادیه‌ها) به یارانه کالاهای اساسی	
	نبود شناخت کافی اعضای از ماهیت و کارکردهای تشکل‌ها	
	شفاف نبودن محدوده فعالیت تشکل‌ها	
	کمبود امکانات اولیه برای تشکل‌ها	
	توان مالی ضعیف تشکل‌ها	
	وجود تعارض و تضاد به‌جای ائتلاف و همکاری در بین تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی	
	شکل‌گیری اغلب تعاونی‌ها با هدف بهره‌مندی از حمایت‌های دولتی (تسهیلات بانکی، معافیت‌های مالیاتی و غیره)	
چالش‌های قانونی	تعدد و تنوع قوانین و مراکز دولتی تصمیم‌گیر بر تشکل‌های غیردولتی	
	نبود دستگاه نظارتی مشخص بر تشکل‌ها	
	نبود قانون جامع برای تشکل	
	نبود آمار ثبتی و کارکردی تشکل‌ها	
توانمندسازی تشکل‌ها	بسترسازی و تبیین جایگاه	انحراف برخی از تشکل‌ها از رسالت و وظیفه اصلی
		بهادادن دولت به جایگاه تشکل‌ها
	تقویت اعضا و شایسته‌سالاری	فراهم آوردن امکانات سخت‌افزاری برای استقرار تشکل‌ها
		ایجاد شرایط مناسب برای استفاده از تشکل‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بخش کشاورزی
نیروی انسانی ماهر و متعهد	علاقه و تعهد	ایجاد شرایط لازم جهت واگذاری برخی از امور تصدی‌گری دولتی به تشکل‌ها با توجه به ماهیت کارکردی آن‌ها
		تقویت عزت نفس اعضا تشکل‌ها
ماهیت تسهیل‌گری و نهادینه‌سازی مشارکت	واسطه‌گری مشارکت	استفاده از افراد شاخص در رأس تشکل‌ها
		نیروی انسانی داوطلب، علاقه‌مند و متعهد برای انجام فعالیت در تشکل‌ها
	نهادینه‌سازی مشارکت	وجود کشاورزان با تجربه و خیره
		نیروهای علمی و تحصیل‌کرده فعال در بخش کشاورزی
استقلال مدیریتی و غیروامداری تشکل‌ها	استقلال مدیریتی	تشکل‌ها نقطه تماس و تعامل دولت با مردم (جامعه فعال در بخش کشاورزی)
		نقش فعال اعضا در مدیریت تشکل‌ها
	اجتناب از سیاسی‌کاری و کاهش نقش دولت	جلوگیری از انحصار در استفاده از حمایت‌های دولتی
		جلوگیری از مسائل سیاسی در انتخاب افراد رأس تشکل‌ها
نیازمحوری	نیازمحوری	تغییر نقش دولت از مداخله‌گری به تسهیل‌گری
		هم‌سویی کارکرد تشکل‌ها با ماهیت آن‌ها
	جامع‌محوری	جهت‌گیری تشکل‌ها با توجه به نیاز مخاطبان اصلی آن‌ها
		برخاسته از نیازبودن تشکل‌ها
		استقرار تشکل‌های جامع و فراگیر
		ایجاد ارتباط نهادی و فراگیر بین بهره‌برداران و بخش خصوصی (نظام صنایع تبدیلی و توزیع کنندگان) در جهت ارزش‌افزایی و توزیع بهتر منافع مالی
هدف‌محوری	وظیفه‌محوری	کمک تشکل‌ها به سازمان‌دهی افراد برای مشارکت در فعالیت‌ها و برنامه‌ها
		کمک تشکل‌ها به ایجاد ارتباط و تعامل نهادینه و پایدار بین بخش‌ها
	هدف‌محوری	ایجاد حس مسؤلیت‌پذیری در بین اعضا تشکل
		مدنظر قراردادن وظایف کارکردی برای دستیابی به اهداف تعیین شده
محوریت سیستمی تشکل‌ها	هدف‌محوری	استقرار تشکل صنفی جامع و فراگیر بین دولت و بهره‌برداران
		استقرار تشکل علمی و تخصصی جامع و فراگیر بین دولت و بخش خصوصی
		استقرار تشکل بازرگانی بین بخش خصوصی و بهره‌برداران

۳.۴. بررسی روابط بین طبقات

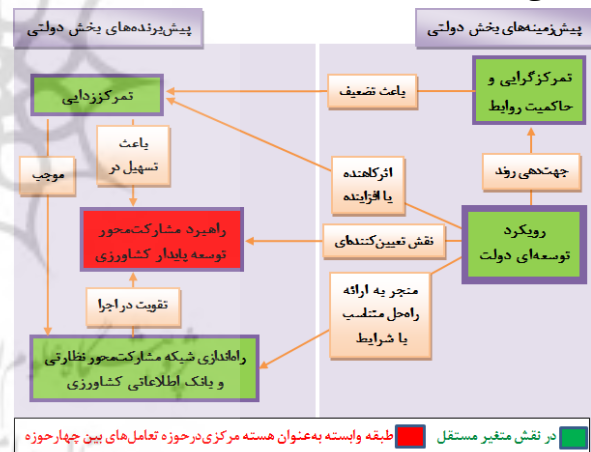
در ادامه کدگذاری نظری به بررسی روابط بین هر یک از طبقات پرداخته شده است. همان‌طور که قبلاً بیان شد، متصل‌سازی یا ارتباطدهی رویدادها، از طریق شکل خاصی از کدگذاری به نام خانواده‌های کدگذاری انجام می‌گیرد، برای بررسی تعامل‌های چهار حوزه استفاده شده است. از این رو، در هر حوزه، بعضی از طبقات، به طور مستقیم با حوزه دیگر تعامل داشته و دیگر طبقات نیز به آن‌ها شکل منطقی داده و تعیین ماهیت بین حوزه‌ها را موجب شده است. برخی از این طبقات در نقش متغیر مستقل که بر یک متغیر وابسته عمل می‌کنند که این طبقات (عامل‌ها) ویژگی‌ها و شرایط عامل نهایی را شکل می‌دهند. این طبقه وابسته به عنوان هسته مرکزی در حوزه تعامل‌های بین چهار حوزه بخش دولتی، بخش خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها است. با توجه به یافته‌های پژوهش تعامل‌های طبقات محوری در شکل‌های (۳)، (۴)، (۵) و (۶) به ترتیب، نشان‌دهنده تعامل‌های طبقات محوری در حوزه‌های بخش دولتی، بخش خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌های بخش کشاورزی هستند.



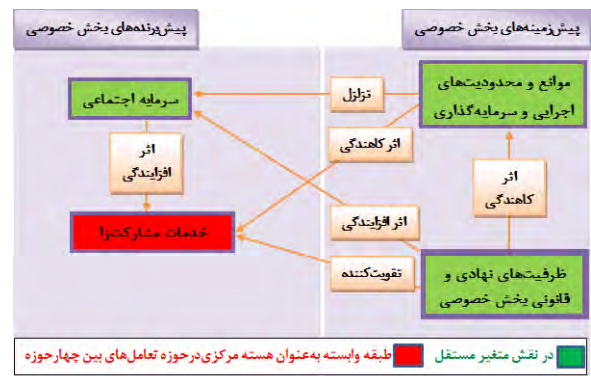
شکل ۵- طبقات و روابط آن‌ها در حوزه بهره‌برداران
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳



شکل ۶- طبقات و روابط آن‌ها در حوزه تشکل‌ها
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳



شکل ۳- طبقات و روابط آن‌ها در حوزه بخش دولتی
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳



شکل ۴- طبقات و روابط آن‌ها در حوزه بخش خصوصی
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

در بخش قبل طبقاتی که در هر حوزه (بخش دولتی، بخش خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها) وجود داشتند و به صورت جداگانه به بررسی روابط آن‌ها پرداخته شد، در این بخش به عنوان طبقاتی در نظر گرفته می‌شوند که با حوزه دیگر در تعامل بوده و جهت‌گیری آن‌ها نوع تعامل‌ها بین حوزه‌ها را مشخص می‌سازد. در حوزه بخش خصوصی، خدمات مشارکت‌زا به عنوان اولین عامل علی بر راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی از حوزه بخش دولتی عمل می‌کند، پس از آن، سرمایه اجتماعی قرار دارد. در حوزه بهره‌برداران، مشارکت‌محوری بهره‌برداران به عنوان اولین عامل علی بر راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی از حوزه بخش دولتی عمل می‌کند، پس از آن، اعتمادسازی و استفاده از قدرت‌های محلی قرار دارند. در حوزه تشکل‌ها، محوریت سیستمی تشکل‌ها به عنوان اولین عامل علی بر راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی از حوزه

فرض‌ها: گزاره‌هایی را از روابط بین عوامل شامل می‌شوند که حول یک موضوع عمومی گرد آمده‌اند و محدوده نظریه‌ای را دربر می‌گیرد. در واقع، فرض‌ها عبارات حمایتی هستند.

در ادامه این بخش، براساس روابط بین عوامل (طبقات)، فرض‌ها استخراج و شرح داده می‌شوند و در نهایت، نظریه نهایی (الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی) شکل می‌گیرد.

اولین موضوعی که باید درباره مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها مطرح کرد، بحث نحوه برقراری مشارکت بین آن‌ها برای طراحی و اجرای اثر- بخش آن جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی است. اتخاذ راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی برای تدوین و اجرای قوانین و مقررات توسعه پایدار کشاورزی و تعامل فراگیر بین ارکان (بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها) شکل‌گیری ساختار کلی نحوه برقراری مشارکت در بخش کشاورزی سبب می‌شود. از این رو، فرض‌هایی که به این امر کمک می‌کنند، عبارت‌اند از:

- تشکل‌های بخش کشاورزی که از آن‌ها به عنوان حلقه‌های واسط مشارکت یاد می‌شود، محوریت سیستمی آن‌ها (نیازمحوری، جامع‌محوری، وظیفه‌محوری و هدف‌محوری تشکل‌ها) تقویت و حمایت را در اجرای راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی به دنبال داشته، در نحوه برقراری مشارکت بین دیگر بخش‌ها (دولتی، خصوصی و بهره‌برداران) نقش به‌سزایی دارند.

- استقلال مدیریتی و غیروامداری تشکل‌ها می‌تواند به اجرای راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی کمک کند و از بهره‌کشی سیاسی و منفعت‌طلبی عده خاصی از آن‌ها پیشگیری کند.

یکی از موضوعات مطرح در تشکل‌های بخش کشاورزی، نبود یک سازمان‌دهی یا انسجام، هم به لحاظ نظریه‌ای و هم به صورت عملی بین آن‌ها است. از این رو، ایجاد تنش و تضاد در چنین محیطی دور از انتظار نیست. بنابراین، در این زمینه، فرض‌هایی به دست آمده‌اند که عبارت‌اند از:

- استقرار تشکل صنفی جامع و فراگیر بین دولت و بهره‌برداران در سطح خرد محلی (مرکز دهستان) برای سازمان‌دهی بهره‌برداران در قالب اتحادیه‌های صنفی با توجه به نوع محصول تولیدی، بستر اعتمادسازی را فراهم می‌آورد که خود توسعه و ارتقای مشارکت-محوری بهره‌برداران را در تمامی فعالیت‌ها و برنامه‌ها سبب می‌شود و راه‌گشای راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی است.

بخش دولتی عمل می‌کند، پس از آن، استقلال مدیریتی و غیروامداری تشکل‌ها قرار دارد. الگوی مناسب برای شرح چنین تعاملاتی از نیروی اجتماعی- سازمانی، الگوی نیروی کرتلویین است که از نظریه میدانی او گرفته شده است. تحلیل میدان نیروی کورتلویین، روشی برای تشخیص وضعیت‌ها است که می‌تواند در بررسی متغیرهایی سودمند واقع شود که در تعیین اثربخشی دخالت دارند. کورتلویین فرض می‌کند که در هر وضعیتی دو نیروی سوق‌دهنده و بازدارنده هست که بر هر تغییری که ممکن است رخ دهد، تأثیر می‌گذارند (رضائی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۶) (شکل ۷).



شکل ۷- چرخه تعامل در میدان تعامل حوزه‌های دولتی،

خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

۴.۵. تدوین (شکل‌گیری) نظریه

لهمن (۲۰۱۰) نظریه را مجموعه‌ای از سازه‌ها (مفاهیم) تعاریف و گزاره‌های به‌هم‌متبند نامیده است که از طریق مشخص ساختن روابط بین عوامل، با هدف تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، دید نظام‌یافته‌ای را از پدیده‌ها ارایه می‌کند، لهمن (۲۰۱۰) پیشنهاد کرده است، زمانی که تعداد عوامل (طبقات) بیش از سه عدد است، باید تعیین‌کننده‌ها و نتایج در الگوهای زنجیره‌ای یا ماتریس‌های رویداد سازمان‌دهی شوند، به شرطی که ماهیت آن‌ها (گزاره‌ها و فرض‌ها) اجازه چنین کاری را بدهند.

عناصر نام‌گذاری انتخابی برای شروع ایجاد نظریه، عبارت‌اند از (لهمن، ۲۰۱۰):

قضایا (گزاره): ماهیت برهانی دارند؛ اما معمولاً روابط تکی بین عناصر نظریه را شرح می‌دهند.

- راه‌اندازی شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی، خدمات کیفی (مشارکت‌زا) بخش خصوصی، مشارکت‌محوری بهره‌برداران و محوریت سیستمی تشکل‌ها از عوامل تأثیرگذار هستند که تقویت و حمایت را در اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی سبب می‌شود.

- تمرکززدایی و استفاده از قدرت‌های محلی از عوامل تأثیرگذاری هستند که اگر در بعد منفی قرار بگیرند، به عنوان بازدارنده عمل می‌کنند؛ اما اگر به صورت صحیح اعمال شوند، اولی، راه‌اندازی شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی را موجب شده، همچنین، راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی را تسهیل می‌کند و دومی، اثر کاهنده یا افزایشده بر مشارکت‌محوری بهره‌برداران دارد و یک عامل تحریک‌کننده در راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی است.

- تمرکزگرایی و حاکمیت روابط در بخش دولتی، تمرکززدایی را در این بخش تضعیف می‌کند. همچنین، موانع و محدودیت‌های اجرایی و سرمایه‌گذاری اثر کاهنده بر خدمات کیفی (مشارکت‌زا) بخش خصوصی دارند؛ به علاوه، فقر اقتصادی و فرهنگی بهره‌برداران و چالش‌های نهادی و قانونی تشکل‌ها به ترتیب ناتوانی در پیاده‌سازی مشارکت‌محوری بهره‌برداران و محوریت سیستمی تشکل‌ها را در پی دارد که این‌ها به عنوان موانع تحقق توسعه پایدار کشاورزی در اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی قابل بحث هستند.

آخرین بخشی که از این مطالعه، قابل استخراج و استنباط است، وجود چند پیش‌بینی است که در قالب چند فرض به آن‌ها پرداخته می‌شود.

- به‌طور کلی، راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی، بخش کشاورزی را سامان می‌دهد که این خود سامان‌یافتن دیگر بخش‌ها، به‌ویژه صنعت را به دنبال دارد.

- برقراری مشارکت از سطح خرد محلی (مرکز دهستان)، پذیرش مشارکت فعال و پویا و متوازن و هماهنگ را به دنبال دارد.

- ایجاد بانک اطلاعاتی کشاورزی، فرآیند نظارت مشارکت‌محور را تسهیل می‌کند.

- شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی، علاوه بر تبادل اطلاعات و برقراری تعامل و مشارکت بین بخش‌ها و تشکل‌های کشاورزی، می‌تواند به توسعه و تقویت نظارت‌ها، جلوگیری از زمین‌خواری و تغییر کاربری غیراصولی زمین‌های کشاورزی، پیشگیری و مبارزه با تخلفات کشاورزی، استفاده بهینه از قابلیت‌های بخش کشاورزی، افزایش اثربخشی تسهیلات بانکی،

- استقرار تشکل علمی و تخصصی جامع و فراگیر بین دولت و بخش خصوصی برای سازمان‌دهی سرمایه اجتماعی بخش خصوصی، اثر افزایشده بر خدمات مشارکت‌زای بخش خصوصی دارد و تسریع‌کننده راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی است.

- استقرار تشکل اقتصادی و بازرگانی بین بخش خصوصی و بهره‌برداران برای ارتباط نهادی و فراگیر بین بهره‌برداران (تولیدکنندگان) و بخش خصوصی (نظام صنایع تبدیلی و توزیع‌کنندگان)، فرآیند اقتصادی متوازی را که همان ارزش‌افزایی و توزیع بهتر منافع مالی است، سبب می‌شود.

دسته بعدی از فرض‌ها که درباره طراحی الگوی مشارکت بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی باید به آن توجه کرد، حوزه فعالیت آن‌ها با توجه به نقش یا رسالت اصلی‌شان است که سازمان‌ها و افراد مختلف در آن در حال فعالیت هستند. از این رو، در ادامه به فرض‌هایی که در این زمینه استخراج شده‌اند، اشاره می‌شود:

- نقش اصلی بخش دولتی، سیاست‌گذاری و ایفای نقش نظارتی - حمایتی است، این با راه‌اندازی شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی، امکان دخیل کردن اعضای دیگر بخش‌ها در نظارت و جمع‌آوری صحیح اطلاعات را پیدا می‌کند که اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی را تقویت و حمایت می‌کند که این خود تبیین‌کننده سیاست‌گذاری مناسب و اقدامات حمایتی مؤثر و کارآمد دولت است.

- نقش اصلی بخش خصوصی، خدماتی - اجرایی است؛ یعنی با خدمات مناسب و کیفی که ارائه می‌دهد، سعی در اجرایی کردن برنامه‌های مورد نظر دارد. به این منظور از خدمات بخش خصوصی به خدمات مشارکت‌زا یاد شده است که این خدمات تقویت و حمایت را در اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی سبب می‌شوند.

- نقش و رسالت اصلی بهره‌برداران کشاورزی، عملیاتی - تولیدی است؛ یعنی، آخرین واحد در عملیاتی کردن برنامه‌ها برای تولید مناسب با توجه به اهداف راهبردی است که این امر بدون مشارکت محوری بهره‌برداران شدنی نیست. مشارکت‌محوری بهره‌برداران سبب تقویت و حمایت در اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی می‌شود.

توجه به چگونگی اجرای صحیح مشارکت برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی مستلزم شناخت عوامل مؤثر و موانع این زمینه است که در این بخش در قالب فرض‌های زیر به آن اشاره شده است:

خوبی را برای رسیدن به یافته‌های واقعی‌تر با مشارکت مردم فراهم می‌کند و در این فرآیند، محقق نیز جزو باارزشی به شمار می‌آید که با فکر و ایده خود، هرآنچه را که از زمینه‌های واقعی موجود بیرون می‌آید، سامان می‌دهد، شکل می‌بخشد و نظریه و الگو می‌سازد (پاپزن، حسینی، ازکیا و عمادی، ۱۳۸۶). در این تحقیق براساس فرآیند نظریه بنیادی برگرفته از رویکرد گلیسر، نظریه نهایی (الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی) طراحی شد (شکل ۸).

نظارت بر اجرای دقیق قوانین و برنامه‌ها و اهداف مدنظر کمک کند و همچنین، فراهم‌کننده زمینه تحقق توسعه پایدار باشد. - ارتباط و تعامل (مشارکت) بین دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقات و ترویج کشاورزی با تشکل‌های علمی تخصصی به اشاعه تفکرهای علمی و گسترش فناوری‌های نوین از طریق بخش خصوصی (در راستای ارایه خدمات نوین و کیفی این بخش) به بهره‌برداران کمک می‌کند. همان‌طور که گفته شد، هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه و الگو است. در واقع، تحقیق‌های کیفی از جمله نظریه بنیادی، زمینه



شکل ۸- الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

۵. بحث و نتیجه‌گیری

به نوبه خود، اجرای راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی را حمایت و تقویت کرده و توسعه پایدار کشاورزی را محقق می‌گرداند.

الگوی حاصل از تحقیق حاضر نشان‌گر موارد زیر است:

- عوامل تأثیرگذار در برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی؛ شامل: راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی، خدمات کیفی (مشارکت‌زا) بخش خصوصی، مشارکت-محوری بهره‌برداران، محوریت سیستمی تشکل‌ها، تمرکززدایی و استفاده از قدرتهای محلی است.

- موانع یا بازدارنده‌های برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ بین بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی، شامل: تمرکزگرایی و حاکمیت روابط در بخش دولتی، موانع و محدودیت‌های اجرایی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، فقر اقتصادی و فرهنگی بهره‌برداران و چالش‌های نهادی و قانونی تشکل‌های بخش کشاورزی هستند.

هدف اصلی این تحقیق، طراحی الگوی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی، بهره‌برداران و تشکل‌ها برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی بوده است. برای انجام این مطالعه، از روش نظریه بنیادی بهره جسته شده است؛ در واقع، این روش زمینه خوبی را برای رسیدن به یافته‌های واقعی‌تر با مشارکت مردم فراهم می‌کند.

از یافته‌های تحقیق مشخص شد که اتخاذ راهبرد مشارکت محور توسعه پایدار کشاورزی با درنظرگرفتن تعامل فراگیر بین ارکان دست‌اندرکار بخش کشاورزی، از طریق تدوین و اجرای قوانین و مقررات مرتبط با توسعه پایدار کشاورزی همراه با راه‌اندازی شبکه مشارکت محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی، زمینه ارایه خدمات کیفی بخش خصوصی، مشارکت‌محوری بهره‌برداران و نیز محوریت سیستمی تشکل‌های بخش کشاورزی را مهیا می‌سازد که

این خود، تبیین‌کننده سیاست‌گذاری مناسب و اقدامات حمایتی مؤثر و کارآمد دولت است. همچنین، به عنوان یک نهاد نظارتی قوی برای انجام صحیح برنامه‌ها و اهداف بخش‌ها و تشکل‌ها محسوب می‌شود و به تبادل اطلاعات بین بخش‌ها و تشکل‌ها کمک می‌کند.

- نقش یا رسالت اصلی بخش‌های دولتی، خصوصی و بهره‌برداران کشاورزی در برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی نیز باید مشخص شود. در این راستا، نقش اصلی بخش دولتی، سیاست‌گذاری و ایفای نقش نظارتی-حمایتی است. با راه‌اندازی شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی، قصد دخیل کردن اعضای دیگر بخش‌ها در نظارت و جمع‌آوری صحیح اطلاعات را دارد که اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی را تقویت و حمایت می‌کند که این خود، تبیین‌کننده سیاست‌گذاری مناسب و اقدامات حمایتی مؤثر و کارآمد دولت است. نقش اصلی بخش خصوصی، خدماتی-اجرایی است؛ یعنی، با خدمات مناسب و کیفی که ارائه می‌دهد، سعی در اجرایی کردن برنامه‌های مورد نظر دارد. به این منظور، از خدمات بخش خصوصی به خدمات مشارکت‌زا یاد شده است که این خدمات اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی را تقویت و حمایت می‌کند. نقش و رسالت اصلی بهره‌برداران کشاورزی، عملیاتی-تولیدی است؛ یعنی، آخرین واحد در عملیاتی کردن برنامه‌ها جهت تولید مناسب با توجه به اهداف راهبردی است که این امر بدون مشارکت‌محوری بهره‌برداران، شدنی نیست که خود مشارکت‌محوری بهره‌برداران سبب تقویت و حمایت در اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی می‌شود.

با توجه به نتایج و دستاوردهای حاصل از این پژوهش و نظر به این که جزنگری، تفکر بخشی و عدم لحاظ تمام اجزا و سطوح ذی‌ربط در مباحث توسعه پایدار، توسعه‌ای نامتوازن و جزیره‌ای را نتیجه خواهد داد. بنابراین، به منظور دستیابی به توسعه پایدار به‌خصوص، توسعه پایدار در بخش کشاورزی، لازم است عزمی ملی و تلاشی یک‌پارچه، منسجم و هماهنگ در همه سطوح (ملی، منطقه‌ای و محلی) صورت پذیرد؛ چرا که بدون مشارکت متوازن و هماهنگ، توسعه پایدار کشاورزی محقق نمی‌شود. به این منظور، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شوند:

- از آن جایی که لازمه تحقق توسعه پایدار به‌خصوص در بخش کشاورزی، مشارکت است و این که کشور ما از جمله کشورهای درحال توسعه و رو به پیشرفت است، باید مشارکت هدایت‌شده

تشکل‌های بخش کشاورزی به عنوان حلقه‌های واسط می‌توانند به بهبود برقراری مشارکت متوازن و هماهنگ، به شرط سازمان‌دهی، انسجام و هماهنگی بین تشکل‌های موجود، کمک کنند. از این رو، تشکل علمی و تخصصی که دربرگیرنده تشکل‌های سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سازمان نظام دام‌پزشکی و انجمن‌های علمی دانشگاهی است با ایجاد یک تعامل سازنده بین این تشکل‌ها می‌تواند به صورت یک تشکل واحد، سازمان‌دهی فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی و فعالان بخش خصوصی (مشاغل خدماتی مرتبط با بخش کشاورزی) را برای ارائه خدمات انجام دهد و می‌تواند رابط خوبی بین بخش‌های دولتی و خصوصی باشد و بستر مناسبی برای ارائه خدمات کیفی (مشارکت‌زا) بخش خصوصی به بهره‌برداران (دانشکده‌ها و مراکز آموزش کشاورزی)، مراکز تحقیقات و ترویج کشاورزی، بهبود در برنامه‌ریزی‌ها و کارایی مفیدتر این تشکل را برای رویکردی که دارد می‌شود. تشکل صنفی تولیدی، دربرگیرنده تشکل نظام صنفی کشاورزی است که در این جا منظور از صنوف بخش کشاورزی همان بهره‌برداران (تولیدکنندگان محصولات کشاورزی)؛ اعم از حقیقی و حقوقی به غیر از مشاغل خدماتی مرتبط با بخش کشاورزی، مدنظر است که سازمان‌دهی بهره‌برداران را با توجه به نوع محصول تولیدی آن‌ها انجام می‌دهد، می‌تواند رابط خوبی بین دولت و بهره‌برداران باشد و بستر مناسبی برای مشارکت‌محوری بهره‌برداران در تمام عرصه‌ها محسوب شود؛ علاوه بر تشکل‌های علمی و تخصصی و صنفی تولیدی که اولی، رابط بین بخش‌های دولتی و خصوصی و دومی، رابط بین بخش دولتی و بهره‌برداران است، تشکل اقتصادی و بازرگانی که متشکل از بهره‌برداران و فعالان بخش خصوصی است، به عنوان رابط بین بخش خصوصی و بهره‌برداران می‌تواند زمینه تنظیم عرضه و تقاضا محصولات کشاورزی را فراهم کند و بستر مناسبی برای صادرات محصولات کشاورزی با توجه به نیاز بازار محسوب شود. در واقع، فرآیند اقتصادی متوازن که همان ارزش‌افزایی و توزیع بهتر منافع مالی است، با ارتباط نهادی و فراگیر بین بهره‌برداران (تولیدکنندگان) و بخش خصوصی (نظام صنایع تبدیلی و توزیع‌کنندگان) محقق می‌شود.

- شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی، قصد دخیل کردن اعضای دیگر بخش‌ها و تشکل‌ها را در نظارت و جمع‌آوری صحیح اطلاعات دارد که موجب تقویت و حمایت در اجرای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی می‌شود که

خصوصی و بهره‌برداران یاد می‌شود، پیشنهاد می‌شود موارد زیر مدنظر قرار بگیرند:

۱. حمایت دولت از تشکلهای باید به صورتی باشد که آنها وام‌دار (وابسته) دولت نشده، از آنها بهره‌کشی سیاسی نشود؛ یعنی دولت در انتخاب اعضای تشکلهای دخالت نداشته باشد (ارجحیت ضوابط بر روابط)؛

۲. سازمان‌دهی کلیه تشکلهای بخش کشاورزی در قالب سه تشکل علمی تخصصی، صنفی تولیدی و اقتصادی بازرگانی؛
- برای تقویت و شکوفایی شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و فنی مهندسی که به عنوان بخش خصوصی به بهره‌برداران خدمات تخصصی ارائه می‌دهند، پیشنهاد می‌شود موارد زیر مدنظر قرار بگیرند:

۱. استفاده از سرمایه‌گذاران به عنوان عضو سهام‌دار برای تقویت مالی؛

۲. استفاده از بازنشستگان دولتی و کشاورزان خبره برای تکمیل یک کادر باتجربه؛

۳. استفاده از تجهیزات و امکانات مراکز خدمات دولتی (واگذاری تجهیزات و امکانات به بخش خصوصی) برای بهره‌مندی از امکانات سخت‌افزاری؛

۴. استقرار در مراکز دهستان برای دسترسی آسان بهره‌برداران به خدمات بخش خصوصی؛

۵. ایجاد فروشگاه‌های توزیع نهاده‌های کشاورزی در مراکز دهستان؛

یادداشت‌ها

1. Lopez-Ridaura
2. Public Sector
3. Private Sector
4. Beneficiaries
5. Associations
6. Ghimire
7. Aref
8. Nxumalo & Oladele
9. Zululand
10. Kwazulu Natal
11. Fletcher
12. Zeldin
13. Brennan
14. Strauss & Corbin
15. Grounded Theory
16. Dunne
17. Adib Hagbagheri
18. Bitsch
19. Open Coding
20. Theoretical Coding
21. Glaser

مدنظر قرار بگیرد؛ اما این مشارکت براساس نیاز مردم (مخاطبان اصلی) بوده؛ به طوری که از آن استقبال شده، با توانمندسازی گروه‌های مختلف زمینه لازم را برای تحقق مشارکت واقعی فراهم آورد؛ یعنی دولت نقش تسهیل‌گری در مشارکت هدایت‌شده داشته باشد.

- با توجه به یافته‌های تحقیق و مشکلات بخش کشاورزی پیشنهاد می‌شود، شبکه مشارکت‌محور نظارتی و بانک اطلاعاتی کشاورزی راه‌اندازی شود. این شبکه می‌تواند علاوه بر تبادل اطلاعات و برقراری تعامل و مشارکت بین بخش‌ها و تشکلهای کشاورزی، سبب توسعه و تقویت نظارت‌ها، مانع زمین‌خواری و تغییر کاربری غیراصولی زمین‌های کشاورزی، پیشگیری و مبارزه با تخلفات کشاورزی، استفاده بهینه از قابلیت‌های بخش کشاورزی، افزایش اثربخشی تسهیلات بانکی، نظارت بر اجرای دقیق قوانین و برنامه‌ها و اهداف مدنظر و فراهم‌کننده زمینه تحقق توسعه پایدار باشد.

- با توجه به یافته‌های تحقیق در زمینه تدوین و اجرای قوانین و مقررات توسعه پایدار کشاورزی در راستای راهبرد مشارکت‌محور توسعه پایدار کشاورزی پیشنهاد می‌شود: هرگونه فعالیت (کشت و زرع) در بخش کشاورزی منوط به اخذ مجوز لازم باشد؛ چرا که ورود آزادانه به بخش کشاورزی، تهدید جدی در تحقق توسعه پایدار کشاورزی محسوب می‌شود. در واقع، در شرایط کنونی بهره‌برداری از اراضی کشاورزی، فاقد هرنوع ضابطه و قانون است و اراضی کشاورزی، فاقد نقشه و شناسنامه‌اند و به عنوان سرمایه ملی محسوب نمی‌شوند.

- کلیه فعالیت‌های خدماتی قابل ارائه به بهره‌برداران توسط بخش خصوصی انجام شود. به جای واگذاری این خدمات به تشکلهای و اتحادیه‌های تعاونی‌ها؛ چرا که در تشکلهای موازی‌کاری به وجود آمده است؛ مثلاً همه تشکلهای در وظایف و اهدافشان آموزش بهره‌برداران دیده شده؛ اما وضعیت آموزش بهره‌برداران در سطح پایینی است و ارائه خدمات اتحادیه‌ها وابسته به یارانه‌هایی است که دولت به آنها می‌دهد و این خدمات سطح کیفی لازم را ندارند. در واقع، گرایش بیشتر بخش خصوصی به پذیرش و به‌کارگیری فناوری‌های جدید و رقابت‌پذیری این بخش برای ارائه خدمات سبب جلب بهره‌برداران برای دریافت خدمات می‌شود که خود، تعیین‌کننده مشارکت بین بهره‌برداران و بخش خصوصی است.

- برای افزایش کارایی تشکلهای بخش کشاورزی که از آنها به عنوان حلقه‌های واسط مشارکت بین بخش‌های دولتی،

25. Lehmann	22. Snow Ball
26. Misra	23. Stocker & Close
27. Salima Emar	24. Creswell

کتاب‌نامه

- Adib Haj Bagheri, M., Salsali, M., & Ahmadi, M. (2004). A qualitative study of Iranian users understanding and experiences of professional power. *Human Resources for Health*, 2(9), 78-93.
- Adib Haj Bagheri, M., Parvizi, S., & Salsali, M. (1389/2010). *Qualitative research methods*. Tehran: Boshra Publications. [In Persian]
- Aref, F. (2011). Farmers' participation in agricultural development: The case of Fars province, Iran. *Indian Journal of Science and Technology*, 4(2), 155-158.
- Asadi, A., & NadryMahdiei, K. (1389/2010). *Sustainable agriculture* (3rd Ed.). Tehran: Payam-e-Noor University Publications. [In Persian]
- Bitsch, V. (2005). Qualitative research: A grounded theory example and evaluation criteria. *Journal of Agribusiness, Agricultural Economics Association of Georgia*, 23(1), 75-91.
- BouzarJamhori, Kh., KhosrowBeygi, R., & Taghilu, A. A. (1391/2012). Study of the role of public participation in sustainable agriculture and rural areas (Case study: Ijrud villages of rural district, Zanjan). *Journal of Rural Research*, 3(3), 163-191. [In Persian]
- Brennan, M. A. (2005). Volunteerism and community development: A comparison of factors shaping volunteer behavior in Ireland and America. *Journal of Volunteer Administration*, 23(2), 20-28.
- Creswell, J. W. (1994). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five traditions*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Dunne, C. (2011). The place of the literature review in grounded theory research. *International Journal of Social Research Methodology*, 14(2), 111° 124.
- Ertyaei, F., Chizari, M., & Jafari, M. (1390/2011). Factors affecting rural youth participation in agricultural development (Case study: The city of Kermanshah). *Journal of Rural Research*, 2(3), 84-57. [In Persian]
- Falsafi, P. (1390/2011). Factors affecting the establishment of farmers' participation in the production-trade organizations with an emphasis on the level of their participation (Case study: Sagezabad county, Qazvin province). *Journal of Rural Development*, 14(3), 113-132. [In Persian]
- Falsafi, P., & Hosseini, S. M. (1384/2005). Designing mutual knowledge and agricultural information system for institutionalize and participation of farmers in productive organizations. *Journal of Agriculture and Development*, 13(52), 181-205. [In Persian]
- Fletcher, A. C., Elder, G. H., & Mekos, D. (2000). Parental influences on adolescent involvement in community activities. *Journal of Research on Adolescence*, 1, 29-48.
- Ghimire, N. R. (2009). Farmer participation in agricultural development in Nepal: A case study. *Agricultural, Food and Environmental Sciences*, 3(1), 1-12.
- Glaser, B. G. (1994). *More Grounded theory methodology: A reader*. Sociology Press, Mill Valley, CA USA.
- Jamshidi, A., Teimuri, M., Hazeri, M., & Rusta, K. (1388/2009). Factors affecting farmers' participation in the implementation of land consolidation in Ilam province (Case study: Shirvan and Chardavol County). *Journal of Village and Development*, 12(1), 109-127. [In Persian]
- Khodaparast Mashhadi, M., Bakhtazma, J., & Izanloo, G. (1391/2012). Mutual expectations for the participation of government and the private sector to remove barriers to production and investment in agriculture in North Khorasan province. *Journal of Economic and Agricultural Development*, 26(1), 47-58. [In Persian]
- Lehmann, H. (2010). *The dynamics of international information systems, anatomy of a grounded theory investigation*. Springer, Verlag US.
- Lehmann, H. P. (2001). Using grounded theory with technology cases: Distilling critical theory from a multinational information systems development project. *Journal of Global Information Technology Management*, 4(1), 45° 60.
- López-Ridaura, S., Masera, O., & Astier, M. (2002). Evaluating the sustainability of complex socio-environmental systems. *The MESMIS Framework. Ecological Indicators*, 2(1), 135° 148.

21. Mahabadi, S. (1380/2001). *The role of non-governmental organizations in the establishment of civil society. The role and position of NGOs in the field of national and international activities*. Tehran: Office of Political Studies and the Ministry of Interior. [In Persian]
22. Mahdidoust, H., Karami Moghadam, N., & Mateen, K. (1389/2010). *Instruction for organising and establishment of agricultural organizations* (1st ed.). Tehran: Central Organization of Rural Cooperatives of Iran, office of farmer organization affaires. [In Persian]
23. Mirtorabi, M., Hejazi, E., & Hosyni, M. (1391/2012). The effect of individual and family characteristics of rural women on their participation motivation in agricultural activities. *Journal of Women's Studies*, 10(1), 149-167. [In Persian]
24. Motiee Langroodi, H., & Sakhaiee, F. (1388/2009). Public participation and rural development in Solgei District of Nahavand County. *Human Geography Research Quarterly*, 70, 111-126. [In Persian]
25. Najafi, Gh., & Zahedi, Sh. (1384/2005). The issue of sustainability in Iran agriculture. *Journal of Iranian Sociology*, 6(2), 73-106. [In Persian]
26. Nxumalo, K. K. S., & Oladele, O. I. (2013). Factors affecting farmers participation in agricultural program in Zululand district, Kwazulu Natal province, South Africa. *Journal of Social Sciences*, 34(1), 83-88.
27. Papzani, A., Hosieni, M., Azkiya, M., & Emadi, M. H. (1386/2007). Develop a conceptual model of combining indigenous knowledge and Formal using the fundamental theory approach in order to achieve the appropriate extension (Case study: Bilavar Region of Kermanshah County). *Agricultural Economic and Development*, 15(58), 151-176. [In Persian]
28. Rezaei, A. (1390/2011). Design of need oriented information system model for promoting sustainable natural resource management in Iran (Unpublished doctoral dissertation Agricultural Extension). Tehran University, Iran. [In Persian]
29. Sarkararany, M. (1382/2003). Participation age. *Journal of Amouzeh*, (18), 7-14. [In Persian]
30. Shabanali Famy, H., Alibeigei A., & Sharif zadeh, A. (1383/2004). *Approaches and techniques of participation in agricultural extension and rural development* (1st ed.). Tehran: Institute for Rural Development of Iran. [In Persian]
31. Statistical Center of Iran. (1390/2011). *Statistical yearbook of Kohgilouye and Boyer Ahmad (KB) Province*. KB Governer, Office of Statistics and Information Publication. [In Persian]
32. Stelajei, A., & Flahtabar, N. (1390/2011). Using participatory management model in planning the development of rural communities (Case study: Soltanieh district of Abharregion). *Journal of Human Geography*, 3(39), 69-78. [In Persian]
33. Stocker, R., & Close, H. (2013). A novel method of enhancing grounded theory memos with voice recording. *The Qualitative Report*, 18(1), 1- 4.
34. Strauss, A., & Corbin, J. (1390/2011). *The principles of qualitative research: Grounded theory, procedures and practices* (B. Mohammadi, Trans., 3rd ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
35. Taleb, M., & Najafiasl, Z. (1389/2010). Lessons from the rural participation trend in Iran. *Journal of Rural Research*, 1(2), 48- 27. [In Persian]
36. Tavasoli, G. (1382/2003). *Social participation in anomic society* (1st ed.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
37. Varmazyari, H. (1390/2011). *Study of historical evolution of executive system of agricultural sector, natural resources and rural development, with emphasis on current structural changes in the Ministry of Agriculture*. Tehran: Majlis Research Center, Infrastructure studies office. [In Persian]
38. Zahedi, Sh. (1389/2010). *Sustainable development*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
39. Zeldin, S. (2002). Sense of community and positive adult beliefs toward adolescents and youth policy in urban neighborhoods and small cities. *Journal of Youth and Adolescence*, 31(5), 331-343.
40. Zeldin, S. (2004). Youth as agents of adult and community development: Mapping the processes and outcomes of youth engaged in organizational governance. *Applied Developmental Science*, 8, 75-90.

Developing a Model for Participation of Public, Private, Beneficiaries, and Associations towards a Sustainable Agricultural Development (Case Study: Central District of Boyer-Ahmad County)

Majid Khezri¹ - Mehdi Nooripoor^{*2} - Payman Falsafi³

1- MSc., in Rural Development, Yasouj University, Yasouj, Iran.

2- Associate Professor of Agricultural Extension and Rural Development, Yasouj University, Yasouj, Iran.

3- Assistant Professor of Agricultural Extension and Education, Institute of Technical & Vocational Higher Education of Jihad-e- Keshavarzi, Tehran, Iran.

Received: 5 February 2015

Accepted: 11 October 2015

Extended Abstract

1- INTRODUCTION

Participatory development (PD) seeks to engage local populations in development projects. It has taken a variety of forms since it emerged in the 1970s. Local ownership is essential to sustain capacity but depends on wide-spread participation. A lot of studies related to participation topics have been conducted recently. But a few of them consider participation between all of stakeholders or beneficiaries of development. Thus, the aim of this study was to develop a participatory model for public, private, beneficiary, and association sectors for achieving a sustainable agricultural development in the Central District of Boyer-Ahmad County.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Most of the literature about PD emphasis giving the poor a chance to contribute activities related to their benefits. Hoping that development projects will be more sustainable and successful by engaging local population in the development process. PD has become an increasingly accepted method of development practice and is employed by a variety of organizations. It is often presented as an alternative to top-down development approach. There are some questions about the proper definition of PD as it varies depending on the perspective applied. The "Social Movement Perspective" defines participation as the mobilization of people to eliminate unjust hierarchies of knowledge, power, and economic distribution. The "Institutional Perspective" defines participation as the reach and inclusion of inputs by relevant groups in the design and implementation of a development project. Based on this approach, a lot of stakeholders play their own role in the process of rural development. No doubt, to achieve real rural

development, it is necessary to seek some guidelines for the cooperation of all stakeholders.

3- METHODOLOGY

The Grounded Theory as a qualitative research method was used in this study. Based on the data collected from about 92 hours semi-structured interviews with 51 agricultural key informants who were purposefully selected from the study region, the text of the interviews was transcribed and coded using open coding in the 183 primary classes (themes). Then, these themes were categorized into 54 groups and consequently, these groups were also categorized into 21 central categories using theoretical coding. Finally, a model was designed for participation of the supposed stakeholders/ beneficiaries towards a sustainable agricultural development.

4- CONCLUSION

As it was mentioned, this study sought to develop a model for collaboration and participation of sectors active in the field of agricultural development including public, private, beneficiaries, and associations towards a sustainable agricultural development.

This model contains determinant components (such as participation-orientated strategy of sustainable development of agriculture, private sector quality services, the participation orientation of the land users, systematic leadership of associations, decentralization, and employing local authorities), and constraints (including decentralization and governance of the relations in the public sector, executive and private sector investment restrictions, the economic and cultural poverty of farmers, and institutional and legal challenges existent in the supposed organizations). The contribution and stance of public and private sectors and beneficiaries and associations were coordinated in

*. Corresponding Author: mnooripoor@yu.ac.ir

establishing a balanced participation. This model also makes allowance for monitoring participation orientated network and agricultural database.

Key words: Sustainable agricultural development, Participation, Grounded theory, Boyer-Ahmad county.

How to cite this article:

Khezri, M., Nooripoor, M. & Falsafi, P. (2016). Developing a model for participation of public, private, beneficiaries, and associations towards a sustainable agricultural development (Case study: Central District of Boyer-Ahmad County). *Journal of Research & Rural Planning*, 4(4), 129-148.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/36587>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495

